



- 1 مرد عادل تلف شد و کسی نیست که این را در دل خود بگذارند و مردان رؤف برداشته شدند و کسی فکر نمی کند که عادلان از معرض بلا برداشته می شوند.
- 2 آنانی که به استقامت سالک می باشند، به سلامتی داخل شده، بر بسترهای خویش آرامی خواهند یافت.
- 3 و اما شما ای پسران ساحره و اولاد فاسق و زانیه به اینجا نزدیک آید!
- 4 بر که تمسخر می کنید و بر که دهان خود را باز می کنید و زبان را دراز می نمایید؟ آیا شما اولاد عصیان و ذریت کذب نیستید
- 5 که در میان بلوطها و زیر هر درخت سبز خویشتن را به حرارت می آورید و اطفال را در وادیاها زیر شکاف صخره ها ذبح می نمایید؟
- 6 در میان سنگهای ملسای وادی نصیب تو است همینها قسمت تو می باشد. برای آنها نیز هدیه ریختنی ریختی و هدیه آردی گذرانیدی آیا من از اینها تسلی خواهم یافت؟
- 7 بر کوه بلند و رفیع بستر خود را گسترده و به آنجا نیز برآمده، قربانی گذرانیدی.
- 8 و پشت درها و باهوها یادگار خود را وا گذاشتی زیرا که خود را به کسی دیگر غیر از من مکشوف ساختی و برآمده، بستر خود را پهن کردی و در میان خود و ایشان عهد بسته، بستر ایشان را دوست داشتی جایی که آن را دیدی.
- 9 و با روغن در حضور پادشاه رفته، عطریات خود را بسیار کردی و رسولان خود را بجای دور فرستاده، خویشتن را تا به هاویه پست گردانیدی.
- 10 از طولانی بودن راه درمانده شدی اما نگفتی که امید نیست. تازگی قوت خود را یافتی پس از این جهت ضعف بهم رسانیدی.
- 11 از که ترسان و هراسان شدی که خیانت ورزیدی و مرا بیاد نیاورده، این را در دل خود جا ندادی؟ آیا من از زمان قدیم نیز ساکت نماندم پس از این جهت از من نترسیدی؟
- 12 من عدالت و اعمال تو را بیان خواهم نمود که تو را منفعت نخواهد داد.
- 13 چون فریاد برمی آوری اندوخته های خودت تو را خلاصی بدهد و لکن باد جمیع آنها را خواهد برداشت و نفس آنها را خواهد برد. اما هر که بر من توکل دارد مالک زمین خواهد بود و وارث جیل قدس من خواهد گردید.
- 14 و گفته خواهد شد برافرازید! راه را برافرازید و مهیا سازید! و سنگ مصادم را از طریق قوم من بردارید!
- 15 زیرا او که عالی و بلند است و ساکن در ابدیت می باشد و اسم او قدّوس است چنین می گوید: من در مکان عالی و مقدّس ساکنم و نیز با کسی که روح افسرده و متواضع دارد، تا روح متواضعان را احیا نمایم و دل افسردگان را زنده سازم.
- 16 زیرا که تا به ابد مخاصمه نخواهم نمود و همیشه خشم نخواهم کرد مبادا روحها و جانهای که من آفریدم به حضور من ضعف به هم رسانند.

17 به سبب گناه طمع وی غضبناك شده، او را زدم و خود را مخفی ساخته، خشم نمودم و او به راه دل خود رو گردانیده، برفت.

18 طریق‌های او را دیدم و او را شفا خواهم داد و او را هدایت نموده، به او و به آنانی که با وی ماتم گیرند تسلی بسیار خواهم داد.

19 خداوند که آفریننده ثمره لبها است می‌گوید: بر آنانی که دورند سلامتی باد و بر آنانی که نزدیکند سلامتی باد و من ایشان را شفا خواهم بخشید.

20 اما شیریران مثل دریای متلاطم که نمی‌تواند آرام گیرد و آبهایش گل و لجن برمی‌اندازد می‌باشند.

21 خدای من می‌گوید که شیریران را سلامتی نیست.